

## تأثیر طلاق بر فرزندان

بلیقیس ساوادوگو<sup>۱</sup> فاطمه وحیدی<sup>۲</sup>

### چکیده

رشد طلاق در سال‌های اخیر افزایش چشم‌گیری داشته است. پژوهش‌هایی که به مدت ده سال انجام شده است، نشان می‌دهد که برخی از آثار طلاق مستمر و بادوام است. بی‌تردید جدایی والدین برای بیشتر فرزندان رخدادی سنگین است و آسیب‌های روحی، روانی و اجتماعی بسیاری برای آنها دارد. از هم‌پاشیدگی کانون خانواده محرومیت، رنجش مستمر و زندگی همراه با اندوه را برای کودکان به همراه دارد. پژوهش حاضر آثار طلاق را در بعد اجتماعی، روان‌شناختی، جسمی و روحی به روش کتاب‌خانه‌ای بررسی می‌کند.

**واژگان کلیدی:** طلاق، آثار طلاق، فرزندان.

### ۱. مقدمه

خانواده پایه و اساس بهزیستی کودکان است و بر سلامت جسمی، روانی و اجتماعی کودکان اثری ماندگار دارد. (چمبرلین و پاترسون، به نقل از نعمت‌الهی و طهماسبی، ۱۳۹۳) خانواده بخشی از یک سیستم اجتماعی بزرگ‌تر است. فرزندان از خانواده‌هایشان و خانواده از سیستم اجتماعی بزرگ‌تری که در آن قرار گرفته است، تأثیر می‌پذیرند (رابینز، باچراج و زاپوسنیک، ۲۰۰۲، ص ۷۰). خانواده نخستین بافتی است که فرزندان در آن فکر می‌کنند، احساس می‌کنند، یاد می‌گیرند و رشد می‌کنند (زاپوسنیک، هروسین و شوارتز، ۲۰۰۳، ص ۷۱). خانواده مانند عمارتی است که زن و شوهر ستون‌های آن را تشکیل می‌دهند و فروریختن هر ستون استحکام و استواری عمارت را متزلزل و گسسته می‌کند. فرزندان می‌توانند مانند روح خانواده تصور شوند که در سایه آنها محیط خانواده صمیمیت بیشتری می‌یابد. وجود فرزند مرواریدی است که مایه جلال و رونق خانواده می‌شود. بر پدر و مادر لازم است تا با از خودگذشتگی و ایثار این شمع

۱. دانش‌پژوه کارشناسی مطالعات زنان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی‌العالمیه، از بورکینافاسو.

۲. مدرس گروه علمی- تربیتی مطالعات زنان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی‌العالمیه، از ایران.

دل افروز را گرمی بیشتر ببخشند و از خاموشی و سردی آن جلوگیری کنند. طلاق هرگز پدیده دلپسند و زیبایی نبوده و نیست. طلاق فاجعه‌ای است که با تخریب بنیاد خانواده به کودکان طلاق و نسل آینده خسارت زیادی وارد می‌کند به طوری که اگر جلوی این خسارت گرفته نشود جامعه دچار مشکلات جدی می‌شود. بنابراین، لازم است تا حد امکان از وقوع طلاق جلوگیری شود تا از آثار زیان بار آن کم شود (توران‌دخت، ۱۳۸۷، ص ۲۵).

## ۲. مفهوم‌شناسی

طلاق در لغت به معنای جداشدن زن از شوهر، رهاشدن از قید نکاح (عمید، ۱۳۸۹، ۱۳۴۸/۲)، طلاق دادن، رهاکردن زن، تسریح (دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۳۶۶۴/۲)، فسخ کردن عقد نکاح، سراح است (دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۳۶۳/۲).

## ۳. دلایل طلاق همسران

- عدم درک مناسب از خود که باعث عدم رعایت اصول اخلاقی پس ازدواج می‌شود.
- احساس محدودیت پس از طلاق.
- کاهش فشارها بر ضد طلاق در جوامع امروزی.
- کاهش تقدیس در امر ازدواج.
- افزایش جنبش‌های استقلال طلبانه زنان و حرکت‌های فمینیستی.
- عدم انعطاف‌پذیری در رفتار زن و شوهر در جوامع امروزی.
- بهبود مشکلات اقتصادی زنان پس از طلاق.
- تغییر دیدگاه‌ها نسبت به مسئله ازدواج تبدیل به یک منبع بهره‌وری شخصی می‌شود و جنبه مسئولیت‌پذیری آن را کم می‌کند.
- تغییر ساختار نظام اجتماعی و اقتصادی در جوامع امروزی و توجه بیش از حد اقتصاد مدرن به افراد. (کلردوپن، ۱۳۸۵، ص ۹)

## ۴. تأثیرات طلاق بر فرزندان

ضعیف‌ترین و اصلی‌ترین قربانیان طلاق فرزندان هستند و نخستین تأثیر آسیب طلاق متوجه آنها می‌شود. بیشتر کودکان طلاق احساس اندوه، خشم، ترس و گناه می‌کنند. به همین دلیل است که سال‌ها بعد از جدایی والدین نیز از طلاق مانند مخرب‌ترین رویداد کودکی و شاید هم

زندگی‌شان یاد می‌کنند. اثرات طلاق در یک کانون ازهم‌پاشیده بسیار شدید است و عقده‌هایی تحمل‌ناپذیر همراه با نفرت در آنها به‌وجود می‌آورد که شدیدتر از وضع یتیمی است. (رجبی و فرجاد، ۱۳۷۲، ص ۳۶) طلاق والدین عامل خطری است که در بزرگسالی کودکان مشکلات متعددی ایجاد می‌کند. این مشکلات عبارتند از: دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی پایین، سلامت روانی ضعیف، افزایش مشکلات زناشویی و احتمال طلاق در زندگی زناشویی آینده. دو عامل در بروز این مشکلات در بزرگسالی نقش دارد:

- فشار اقتصادی که با طلاق والدین به‌وجود می‌آید ممکن است مانع رفتن کودکان به دانشگاه و به‌دنبال آن کاهش دستاوردهای شغلی و حقوق آنها در بزرگسالی شود.
  - کودکانی که در مقابل الگوهای ضعیف و روابط بین‌فردی والدین بوده‌اند، ممکن است در برقراری روابط باثبات و رضایت‌بخش در بزرگسالی دچار مشکل شوند (آماتو، ۱۳۰۸، ص ۳۶).
- آثار و عوارض طلاق برای فرزندان طلاق به این دلیل اهمیت دارد که می‌تواند زمینه بروز بسیاری از اختلالات رفتاری، روحی و روانی در آنها باشد و زندگی فردی و اجتماعی آنها را به خطر اندازد. بروز افسردگی در کودکان و نوجوانان، اضطراب، پرخاشگری و عصبان در نوجوانان، حسادت، سوظن و بدبینی نسبت به دیگران، فرار از منزل، ترک تحصیل و افت تحصیلی، بزهکاری و کج‌روی‌های اجتماعی مانند قتل، دردی، فحشا و ... ازدواج زودرس به‌ویژه برای دختران، ضعف اعتماد به‌نفس، اختلال هویت، اعتیاد، فقر، ضعف سلامت جسمی و روانی مانند بی‌خوابی، سوء تغذیه، بی‌اشتهالی و یا پرخوری عصبی و ... احساس درماندگی و سرماخوردگی، تجربه عقده حقارت ناشی از عدم دسترسی به محیط گرم و عاطفی خانوادگی در مقایسه با دیگران و درونی‌سازی عقده‌های منفی و ضداجتماعی، انزوای اجتماعی، گرایش به انواع انحراف‌های اجتماعی به‌دلیل ضعف کنترل رفتاری و اخلاقی به‌وسیله والدین، اجتماعی‌ستیزی، دیگرآزاری و بروز انواع خشنونت‌های اجتماعی از آثار و عوارض طلاق برای فرزندان است. (فرمهبینی فرهانی، ۱۳۷۹، ص ۳۰)

## ۵. تأثیر جدایی بر شخصیت فرزندان

مقایسه شرایط زندگی فرزندان که فقط با مادر خود زندگی می‌کنند و آنهایی که با پدر و مادر خود هستند موضوع مطالعاتی بسیاری از محققان است. بسیاری از محققان معتقدند بین این دو گروه تفاوت است و به کودکانی که هم پدر دارند و هم مادر بیشتر توجه کرده‌اند. در مطالعات

آمده است نوجوانانی که پدر و مادرشان از هم جدا شده‌اند بسیار خوشحال‌تر و راضی‌تر از نوجوانی هستند که پدر و مادرشان باهم زندگی می‌کنند، اما هر روز دعوا و مشاجره دارند. پدرانی که پسرانشان پس از جدایی با مادر خود زندگی کرده‌اند از این موضوع ناراحت هستند که نتوانسته‌اند آنها را با وظایف و نقش‌های یک مرد آشنا کنند و پدری خوب و بامسئولیت برای خانواده خود باشند. (دوپن کالر، ۱۳۸۵، ص ۸۹)

### ۵-۱. طلاق و نقش آن در بروز خشنونت در کودکان

استرس‌ها و اختلافات روحی و روانی در پدران و مادران باعث ایجاد بحران‌های عمیق روحی در فرزندان می‌شود. این بحران‌ها عامل بسیاری از عقده‌های روانی یا بروز رفتارهای خشنونت‌آمیز و خطرناک در آینده می‌شود. طلاق نقش بسیار اساسی در تغییر روحیه و روان فرزندان دارد. کودکان طلاق به‌مرور زمان با حرکات احساسی، ترس، خشم و عدم تعادل روانی هنگام عصبانیت روبه‌رو می‌شود؛ زیرا آنها رفتارهای خشنونت‌آمیز پدر و مادر را در خانواده دیده‌اند و تصور می‌کنند که همواره عکس‌العمل‌ها و رفتارهای آنها باید به‌صورت منفی و پرخاشگرانه باشد. کودکان طلاق خشم دورنی خود را یا ابراز می‌کنند و یا فرومی‌خورند. بچه‌هایی که خشم خود را فرومی‌خورند در سنین بالاتر قدرت و توانایی بیشتری برای ابراز خشنونت از خود نشان می‌دهند. (حسنی، ۱۳۸۳، ص ۲۷)

### ۵-۲. افسردگی و کناره‌گیری

برخی کودکان بعد از طلاق والدین دچار افسردگی و گوشه‌گیری می‌شوند. احساس افسردگی به این دلیل است که کودک بعد از طلاق والدین احساس امنیت خود را از دست می‌دهد. یا به این دلیل است که والدین، کودک را مرکز بحث و جدل‌های خود قرار می‌دهند. دختران بیشتر از پسران می‌توانند عصبانیت و احساسات خود را کنترل کنند و این عامل ممکن است باعث سردرد، دل‌درد و تغییراتی در الگوهای خواب و خوراک و حتی افسردگی شود. برخی والدین ممکن است متوجه این نکته نباشند که چه قدر کودکان خود را مرکز دعوایشان قرار می‌دهند. این موضوع گاهی می‌تواند باعث زیان‌های احساسی و روانی برای کودکان شود. بیشتر کودکانی که دچار افسردگی شدید هستند قبل از طلاق و جدایی والدین درگیر افسردگی بوده‌اند و اختلافات والدین به افسردگی کودک وسعت بخشیده است. این موضوع هشدار برای والدین

است تا در این زمان مراقبت کودکان خود باشند و اگر اثری از افسردگی یا کناره‌گیری در رفتارهای آنها دیدند به متخصص مراجعه کند. (ذوالفقار، ۱۳۸۹)

### ۳-۵. عدم احساس امنیت

عدم احساس امنیت یکی از اثرات جدایی و طلاق والدین بر فرزندان است. چنین احساسی از راه‌های گوناگون روی کودکان با گروه‌های سنی متفاوت تأثیر می‌گذارد. برای مثال امکان دارد مشکل کودکی نوپا ناشی از اضطراب جدایی باشد. این امکان وجود دارد که کودک به شدت به یکی از والدین وابسته باشد و زمانی که او کودک را ترک کند، ناراحت شود. براساس برخی تحقیقات کودکان دبستانی از طلاق و جدایی والدین بیشترین تأثیر را می‌پذیرند. کودکان مدرسه‌ای بیشتر بر این باورند که جدایی پدر و مادر تقصیر آنهاست و علت را در وجود خود یا رفتارهای خویش می‌بینند. این احساس عدم امنیت در آنها ممکن است خود را به این مشکل نشان دهد که تقاضا کنند موقع خواب چراغ اتاقشان روشن باشد در صورتی که در شب‌های قبل چراغ اتاقشان روشن بود. به این ترتیب کودک اطمینان به خود را از دست می‌دهد، نوعی ترس روانی پیدا می‌کند و امنیت روانی قلبی از بودن در کنار پدر و مادر و آرامش در زندگی آنها را از دست می‌دهد. به همین دلیل آنها ممکن است در تمام اوقات به وجود یک بالش یا اسباب بازی در کنار خود احتیاج پیدا کنند. (ذوالفقار، ۱۳۸۹)

### ۴-۵. کاهش مهارت‌ها و رشد عاطفی و اجتماعی

طلاق به‌عنوان یک پدیده مهم نه تنها تعادل روانی دو انسان بلکه تعادل روانی فرزندان، بستگان دوستان و نزدیکان را نیز به هم می‌ریزد. (ساروخانی به نقل از عبدی‌پور، ابراهیم و نظری، ۱۳۹۲) امروزه اثرات منفی طلاق بر رشد عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و عملکرد تحصیلی فرزندان در تحقیقات بسیار روشن شده است (هرینگتون، ۱۹۹۸). ضعیف‌ترین و اصلی‌ترین قربانیان طلاق، فرزندان هستند به‌ویژه در مواردی که از آنها مانند ابراز و استفاده می‌شود. فرزندان باید در محیطی مناسب و زیر مراقبت مستمر تربیت شوند؛ زیرا هر نوع کاستی در این مورد موجب انحراف آنها می‌شود. خانواده در شکل‌گیری عادت‌ها و اندیشه‌های اجتماعی فرزند نقش بسیار مهمی دارد و نفوذ خانواده بر ایجاد مختلف رشد اجتماعی کودکان غیرقابل انکار است (ورشورن، ۱۹۹۶). یکی از خصوصیات مهم کودکانی که رشد اجتماعی کافی دارند این است که واجد

مهارت‌های اجتماعی باشند. یادگیری رفتارهای بیان شده و ایجاد رابطه اثربخش با دیگران یکی از مهمترین دستاوردهای دوران کودکی است. متأسفانه همه کودکان موفق به فراگیری این مهارت نمی‌شوند به همین دلیل بیشتر این کودکان با عکس‌العمل‌های منفی از سوی بزرگسالان و کودکان دیگر روبه‌رو می‌شوند (گرشمن و ایوت، ۱۹۹۹، قمری گیوی و چماجایی، ۱۳۹۵، ص ۷۱). شواهد فراوانی تفاوت کودکان خانواده‌های طلاق و کودکان خانواده‌های عادی دیگر کشورها را در زمینه‌های روانی و رفتاری نشان می‌دهد. بررسی اختلالات روانی و رفتاری افسردگی و پیشرفت تحصیلی در این گروه از کودکان و مقایسه آن با کودکان خانواده‌های عادی حکایت از وجود تفاوت‌های قابل بحث دارد (رونبرگ کیم و هومن استیل، ۱۹۹۸، مازور، ولچیک و ساندلر وست، ۱۹۹۶). فرزندان خانواده‌های طلاق گرفته و طلاق نگرفته از نظر مسائل روانی-عاطفی مقایسه شدند. نتایج نشان می‌دهد که کودکان خانواده‌های طلاق گرفته مشکلات رفتاری و سازگاری اجتماعی دارند (آماتو، ۱۹۹۴).

ناسازگاری زناشویی عاملی غیرمستقیم بر نحوه سازگاری کودکان است که از طریق تأثیراتش بر کارکرد خانواده و کیفیت تربیت فرزند عمل می‌کند. (کاوان کاوان، شولتز، همینگ و راس، ۱۹۹۴) در این سنجش تأثیر کیفیت زناشویی را بر سازگاری اجتماعی کودکان کودکانی آزمایش کردند. شواهد بیان‌گر تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم روابط در سازگاری اجتماعی کودکان است. مشکلات درونی‌سازی این کودکان مانند حالت‌های کم‌رویی و کناره‌گیری اجتماعی نتیجه عملکرد زناشویی بر کیفیت تربیت فرزند است در حالی که مشکلات برون‌سازی آنها مانند ضد اجتماعی شدن و پرخاشگری کودکان بر اساس تعامل‌های زناشویی قابل پیش‌بینی بود. کودکان و نوجوانانی که والدینشان طلاق گرفته‌اند مشکلات اجتماعی بیشتری مانند تعارض اجتماعی زیاد با همتایان و همجنسان خود و خواهر و برادرهایشان دارند (آماتو، ریچاردسون و مک کاب، ص ۷۲). به دنبال ازهم‌گسیختگی شبکه اجتماع خانواده فرزندان با بحران‌های شدید جسمانی، روانی و تحولات اجتماعی روبه‌رو می‌شوند و باید خود را با آن سازگار کنند. بیشتر آنها در مقابل امنیت عاطفی، تنهاماندن و مورد بی‌اعتنایی قرار گرفتن آسیب‌پذیر هستند و ممکن است با نوسان‌های شدید روحی روبه‌رو شوند یا از نزدیکان خود فاصله بگیرند و تحت تأثیر فشار همسالان خود از جدایی پدر و مادرشان دچار خجالت و سرافکندگی شوند و حتی ممکن است خشمگین شوند و از امری که پیش آمده است می‌رنجند.

## ۵-۵. اختلالات روان‌شناختی

بررسی روان‌پزشکان نشان داده است که طلاق و جدایی والدین از عمده‌ترین علل بیماری روانی فرزندان طلاق است. وقتی زوجین از هم جدا می‌شوند اثرات ناشی از جدایی و بی‌سرپرستی، واهمه ناشی از آینده‌ای مبهم برای فرزندان پدید آورد. (عراقی، ۱۳۶۹) به بیان دیگر طلاق والدین نمایان‌گر اختلالات روان‌پزشکی بیشتر در فرزندان طلاق است (خدایی‌فر، ۱۳۸۱، ص ۷۲). تحقیقات انجام‌شده در مورد بررسی تأثیرات روان‌شناختی طلاق بر کودکان مشخص کرد که کودکان طلاق به‌طور مشخص در چهار سطح اضطراب، افسردگی، اشکالات رفتاری و مهارت‌های مقابله‌ای ضعیف‌تر از کودکان عادی هستند. در یک مطالعه در بیرجند مشخص شد که میانگین اضطراب در فرزندان طلاق به‌طور معنی‌داری بیشتر از فرزندان است که والدین آنها از هم جدا نشده‌اند. همچنین پرخاشگری در فرزندان طلاق بیشتر است (کاهنی، حسن‌آبادی و سعادت‌جو، ۱۳۷۹). شواهد نشان می‌دهد که بین کارایی خانواده و سلامت روانی فرزندان رابطه معناداری است و کارایی خانواده می‌تواند بر افسردگی و اضطراب فرزندان مؤثر باشد (سعادت‌مند، ۱۳۷۶، مشهدی‌زاده، ۱۳۸۱ و فریاس، ۱۹۹۲). پژوهشی با عنوان ساختار خانوادگی و افسردگی با استفاده از دو گروه از خانواده‌های طلاق و عادی نشان داد که کودکانی که والدین آنها از هم جدا شده‌اند بیشتر از گروه عادی دچار افسردگی شده بودند (گاتر و گاتمن، ۱۹۹۲، ص ۷۳). والدینی که کارایی و عملکرد ناسالم دارند و در حال جدایی هستند فرزندان دارند که از نظر معلمانشان نشانه‌های افسردگی، اضطراب و عدم رفتار مناسب اجتماعی دارند (کاربالو به نقل از صیادی، ۱۳۸۱). بین شکل خانواده و روابط درونی اعضای خانواده با بهداشت روانی نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد. یکی از مشکلات احتمالی دیگر فرزندان طلاق مربوط به عملکرد تحصیلی است. زندگی تحصیلی یکی از مهمترین ابعاد زندگی اشخاص است که بر ابعاد زندگی تأثیر فراوان دارد (پاملاوگیل به نقل از گیوی، ۱۹۹۸). کودکان، جوانان و نوجوانانی که والدینشان در کودکی طلاق گرفته‌اند امور تحصیلی آنها تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

## ۶. نتایج پژوهش‌ها درباره فرزندان طلاق

پژوهش‌ها نشان‌دهنده وضعیت نامناسب فرزندان طلاق در شاخص‌های سلامت روان و زیرمقیاس‌های آن یعنی، نشانه‌های روان‌تنی، اضطراب و بی‌خوابی، ناکارآمدی اجتماعی،

ناسازگاری با افراد و محیط اطراف، کاهش عزت نفس و ... است. (یونسی، ۱۳۸۹) وضعیت سلامت روان فرزندان طلاق از فرزندان یتیم نیز نامطلوب‌تر است (شریفی، ۱۳۸۹). این کودکان فشارهای روانی بیشتری متحمل می‌شوند. برخی شاخص‌های سلامت روان مانند کارکرد اجتماعی پایین، اضطراب و بی‌خوابی، علائم جسمانی ناسلامتی روان در فرزندی که با مادر زندگی می‌کنند، کمتر است (حبیبی، ۱۳۸۵). برخی تحقیقات بیانگر عدم تأثیر حضانت بر برخی شاخص‌ها از جمله افسردگی (حیدرنیا، ۱۳۸۴) و پرخاشگری (حبیبی، ۱۳۸۵) است. این کودکان در مواجهه با مسائل استرس‌زا بیشتر از شیوه مقابله‌ای هیجانی و اجتنابی استفاده می‌کنند. این درحالی است که براساس تحقیقات این شیوه مقابله‌ای با ناسلامتی روانی رابطه مستقیم دارد. شیوه مقابله‌ای شناختی و انحصالی رابطه مستقیم با سلامت روانی دارد (قمری و فکوری، ۱۳۸۹). فرزندان خانواده‌های طلاق در زمینه‌های جسمی، شخصی، عاطفی، خانوادگی، تحصیلی و اقتصادی شرایط نامناسب‌تری را تجربه می‌کنند. این فرزندان از نظر جسمی از بیمارهای مختلفی رنج می‌برند. جدایی والدین بر ویژگی‌های عاطفی-شخصیتی فرزندان چنان تأثیر می‌گذارد که از سویی باعث افزایش اضطراب، گوشه‌گیری، پرخاشگری، بهانه‌جویی، انتقام‌جویی، بی‌رحمی، غمگین بودن، زورنچ بودن، نزاع و درگیری، اختلال در خواب یعنی، بد خوابی، کابوس و بی‌خوابی، ناخن جویدن، بی‌بازی از زندگی، فرار از منزل، شک و دودلی، تمایل به ازدواج زودهنگام و احساس بیماری، می‌شود و از سوی دیگر باعث کاهش اعتماد به نفس، کنج‌کاو و شاد و سرزنده بودن می‌شود (درویزه، ۱۳۷۱). این فرزندان مشکلات خود را کمتر با اعضای خانواده به‌ویژه پدر مطرح می‌کنند و بیشتر با اعضای ناتنی و فامیل در میان می‌گذارند. (درویزه، ۱۳۷۱). کودکان خانواده طلاق با ترسیم شخصیت‌ها نشان دادند که نسبت به کودکان خانواده عادی والدین خود را کمتر به‌عنوان مهربان‌ترین فرد و اولین شخصیت در زندگی در نظر می‌گیرند. آنها والدینشان را نامهربان‌ترین شخصیت می‌دانند (ایروانی، ۱۳۸۶).

وضعیت اقتصادی خانواده‌هایی که فرزندان طلاق دارند نامناسب‌تر و رفاه اقتصادی آنها کمتر است. این فرزندان پول جیبی کمتری دریافت می‌کنند. (درویزه، ۱۳۷۱) کودکان طلاق به‌طور معناداری بیشتر با پدیده کودک‌آزاری، بی‌توجهی جسمی، عاطفی و همچنین آزار جنسی (علیایی‌زند، ۱۳۹۳) مواجهه بوده‌اند (یحیی‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۱۱۰). آما تو و کیت اولین پژوهش‌گران در حوزه مسائل فرزندان هستند. نتایج این مطالعات نشان داد که طلاق والدین



نتایج منفی در حوزه دستاوردهای تحصیلی، رفتار سازگاری روان‌شناختی، اعتماد به نفس و روابط اجتماعی دارد. جوانانی که طلاق والدین را تجربه کرده‌اند نسبت به جوانانی که در خانواده عادی زندگی کرده‌اند سازگاری روان‌شناختی ضعیف‌تر، موفقیت‌های اقتصادی-اجتماعی کمتر دارند. بی‌ثباتی آنها نشان‌دهنده رابطه طلاق والدین با کاهش رفاه فرزندان طلاق هم در کودکان و هم در بزرگسالان بوده است. آنها معتقدند که در برخی موارد مشکلاتی که فرزندان متحمل شده‌اند باعث تغییرپذیری بیشتر آنها و گاه بهبودی در رفتار آنها شده است. پژوهشی با عنوان پیامدهای جدایی والدین و طلاق بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و هیجانی فرزندان در بوستون انجام شده است. این پژوهش که به روش مصاحبه کیفی با فرزندان خانواده‌ها و مادرانشان انجام گرفت، نشان داد که فرزندان طلاق و مادرانشان تصوری که از وضعیت اقتصادی خود بعد از طلاق دارند تجربه فقر است. به طوری که حتی برای برطرف کردن نیازهای اساسی خود با مشکل مواجه بوده‌اند. تمام پاسخ‌دهندگان شرایط بد اقتصادی را به طلاق و عدم حمایت مالی از کودکان ربط داده‌اند و نسبت به آینده بسیار بدبین بوده‌اند. مشکلات اقتصادی بر بهزیستی این کودکان در حوزه دیگر نیز اثر می‌گذارد به طوری که شرایط اجتماعی، روان‌شناختی، سلامت و تحصیلات آنها نیز تهدید می‌شود. برخی از این فرزندان نسبت به همسالان خود احساس نابرابری می‌کنند. نتایج این پژوهش نشان داد که تنها اقتصاد نیست که رفاه اجتماعی و سلامت روانی این کودکان را به خطر می‌اندازد (یحیی‌زاده و حامد، ۱۳۹۴، ص ۹۶).

طلاق والدین نمایانگر اختلالات روان‌پزشکی در فرزندان خانواده طلاق است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که فرزندان خانواده گسسته در حال جدایی در وضعیت بی‌ثباتی هستند و از حمایت اجتماعی کمتری برخوردار هستند. وقتی فردی حمایت اجتماعی بهینه را از والدین خود دریافت نمی‌کند به طور ضعیف‌تری می‌تواند با استرسی‌های زندگی و آموزشگاهی مقابله کند در نتیجه احساس سرخوردگی می‌کند. (لویت و گوچی، ۱۹۹۴) این هیجان به‌اضافه غم و اندوه ناشی از جدایی والدین و احساس گناه و خودسرزنی فرزند سلامت روان کودکان را در خانواده‌های نابسامان تحت تأثیر قرار می‌دهد و چون سلامت روان و جسم رابطه تنگاتنگی دارند جسم کودکان دچار اختلال می‌شود و به همین دلیل است که جسمانی‌سازی علائم در این کودکان (رئیس، ۱۳۸۹) همچنین بین فرزندان دارای والدین مطلقه و متقاضی طلاق تفاوت معناداری ندارد. در راستای تبیین این یافته باید گفت چون نخستین آثار طلاق و نزاع‌های

خانوادگی روی فرزندان ضعیف‌ترین قربانیان این مشکلات تأثیر می‌گذارد کودکان بعد از طلاق و پس از آن با بحران‌های شدید جسمانی، احساسی و تحولات اجتماعی روبه‌رو می‌شوند که باید خود را با آنها سازگار کنند. بیشتر کودکان درمقابل امنیت عاطفی و هنگام تنهاماندن و مورد بی‌اعتنایی واقع شدن آسیب‌پذیرند حال کودکان خانواده‌های طلاق و متقاضی طلاق از جدایی و ترس فراق و ازدست‌دادن والدین خود احساس خجالت و سرافکندگی می‌کنند (یونسی، ۱۳۸۹).

## ۷. طلاق در نگاه آمار

هرچند طلاق باعث ازهم‌پاشیدگی کانون خانواده می‌شود و این گسست خانواده تأثیرات زیان‌بار فراوانی هم برای والدین و هم برای فرزندان خانواده دارد، ولی این پدیده در بسیاری از کشورها روبه افزایش است. در آمریکا از دو ازدواج یک مورد آن به طلاق انجامد و هر سال یک میلیون کودک، طلاق وجدایی والدین خود تجربه می‌کنند. (فاگان، ۲۰۰۰) افزایش سریع طلاق در کشورهای دیگر نیز در پژوهش‌های متعدد نشان داده شده است (ایمری به نقل از یونسی، معین و شمشیری‌نیا، ۱۳۹۸). ایران نیز از این قاعده جدا نیست. براساس آمار در سال ۱۳۷۵ تعداد ۷/۸۹ مورد طلاق درمقابل هر صد ازدواج وجود داشته است. این شاخص تا سال ۱۳۸۵ روند صعودی داشته است و به ۱۲/۰۹ در این سال رسیده است (حصاری به نقل از قمری گیوی، ۱۳۹۱).

آمار طلاق کل کشور در سال ۱۳۸۶ برابر با ۹۹، ۸۵۲ مورد بوده است. آمار در سال ۱۳۹۰ در کل کشور ۵۷۸، ۱۴۲ مورد بوده است و این آمار در سال ۱۳۹۲ برابر با ۱۵۵، ۳۶۹ مورد و در سال ۱۳۹۳ برابر با ۱۶۳۵۹ مورد بوده است. در سال ۱۳۹۴ آمار طلاق در ایران ۱۶۳۷۵ مورد و در سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۸۱۴۴ مورد بوده است (علیزاده، ۱۳۹۷، ص ۱۹۴). تعداد طلاق‌های ثبت‌شده در کشور به‌طور مداوم در حال افزایش است. شتاب این افزایش در دوره‌های مختلف متفاوت است (سامانه آمارهای جمعیتی ۱۳۹۶، ص ۱۴۴). میزان طلاق متأهلان روندی افزایشی دارد به‌گونه‌ای که حدود ۳ در سال ۱۳۶۵ به حدود ۸ در هزاران زن متأهل در سال ۱۳۹۵ بوده است.

## ۸. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر براساس یافته‌های میدانی مشخص شد که جدایی والدین آثار مخرب و زیان‌باری برای کودکان دارد مانند افسردگی، اضطراب، عصبان، پرخاشگری، حسادت، سوء ظن و بدبینی، فرار از منزل، ترک تحصیل و افت تحصیلی، بزهکاری‌های اجتماعی مانند فحشا، قتل، دزدی، ازدواج

زودرس برای دختران، ضعف اعتماد به نفس، اختلال هویت، اعتیاد، فقر، پر خوری، گوشه‌گیری، بهانه‌جویی، انتقام‌جویی، بی‌رحمی، زودرنجی، نزاع و درگیری، اختلال در خواب، بد خوابی، کابوس در خواب، ناخن جویدن و بی‌زاری از زندگی.

## ۹. پیشنهادها

- از متخصصان روان‌شناسی در حوزه‌های تصمیم‌گیری و اجرایی مانند دستگاه قضایی و به‌ویژه دادگاه‌های خانواده روان‌شناسان؛
- استفاده از خدمات، مشاوران و تحت پوشش قرار دادن این خدمات توسط بیمه‌ها برای استفاده خانواده‌های کم‌حضاعت، تک‌سرپرست و متوسط جامعه؛
- استفاده از متخصصان آشنا به عوارض فقدان مادر برای تعدیل این عوارض؛
- تشکیل مراکزی برای آموزش به خانواده‌های آنها و جبران خلاء عاطفی مادر در حد امکان؛
- ایجاد مرکز پیشگیری از بحران در خانواده برای آموزش‌های علمی و کاربردی به افراد خانواده توسط روان‌شناسان و مشاورین برای جلوگیری از اقدام‌هایی مانند طلاق، ترک فرزند و فرار از خانه (شریفی، ۱۳۸۷، ص ۹۵).

1. ایروانی، محمودی و همکاران (۱۳۸۶). مقایسه شاخص‌های ترسیمی کودکان خانواده‌های گسسته و ناگسسته در آزمون ترسم خانواده. نشریه روان‌شناسی کاربردی، ۵(۲)، صص ۹-۲۲.
2. برجلی، احمد (۱۳۸۰). تحول شخصیت در نوجوان. تهران: ورای دانش.
3. تفضلی، محمدرضا (۱۳۸۶). آثار طلاق بر فرزندان. نشریه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۳ صص ۵۰-۷۰.
4. تمدن، توراندخت (۱۳۸۷). بچه‌های طلاق. نشریه خانواده و پژوهش، پژوهشگاه آموزش و پرورش، ۲(۴).
5. چلبی مسعود و توران روزبهانی (۱۳۸۶). نقش خانواده به‌عنوان عامل و مانع بزهکاری. نشریه پژوهش علوم انسانی، شماره ۲۹ صص ۹۵-۱۳۲.
6. حسنی، علی‌رضا (۱۳۸۳). طلاق و اثرات روحی و روانی آن بر کودکان و نوجوانان و نقش آن در گسترش بزه دیدگاه. نشریه علمی تخصصی دادرسی سازمان قضایی نیروهای مسلح - شماره ۴۸، سال هشتم، صص ۲۴-۲۹.
7. حبیبی، ساجده (۱۳۸۵). بررسی مقایسه‌ای میزان سازگاری کودکان خانواده مطلقه. نشریه مجله دانشگاه پرستاری و مامایی، ۲(۴)، صص ۴۰-۵۰.
8. حبیبی، ساجده و ژیلارو زهرا (۱۳۷۹). مهارت‌های زندگی بر سلامت روانی فرزندان خانواده‌های طلاق علوم دانشگاه الزهرا. مجله علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا. شماره ۹ و ۱۰، صص ۴۰-۵۰.
9. حسینیان، سیمین (۱۳۸۲). مقایسه و ارتباط سلامت روانی فرزندان و مادرانی که حضانت فرزندان سلب شده است. نشریه مطالعات زنان، شماره ۲، ۱۵۳-۱۶۸.
10. حیدرینا احمد و همکاران (۱۳۸۴). سلامت روان و عزت‌نفس دانش‌آموزان در خانواده‌های عادی تحت حضانت پدر و تحت حضانت مادر. نشریه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۹.
11. دوین کلب (۱۳۸۵). روان‌شناسی ناکامی در زندگی زناشویی و تأثیر آن بر فرزندان. مترجم: جوادی، محمد. تهران: ماهی طلایی.
12. درویزه، زهرا (۱۳۷۱). بررسی اثرات طلاق وضعیت جسمی-عاطفی-اقتصادی و اجتماعی نوجوانان دختر دبیرستانی تهران. نشریه علوم انسانی، دانشگاه الزهرا، شماره ۹ و ۱۰.
13. ذوالفقار، بهاره (۱۳۸۹). رشد آموزش پیش دبستانی. نشریه رشد آموزش پیش دبستانی ۲(۲)، صص ۲۸.
14. شریفی درآمدی، پرویز (۱۳۸۹). مقایسه وضعیت بهداشت روانی نوجوانان طلاق و یتیم محروم از مادر و عادی. نشریه روان‌شناسی و علوم تربیتی، شماره ۵ و ۶، صص ۵۰۶.
15. عبدی، م.، پورابراهیم، ت و نظری، ع (۱۳۹۲). تأثیر برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر میزان سازگاری آنها با طلاق والدینشان. نشریه خانواده‌پژوهشی، صص ۹۰.
16. عراقی، س-ع (۱۳۶۹). طلاق و مسائل آن کدامند. تهران: انتشارات راهنما.
17. علیایی‌زند، شهین (۱۳۹۳). کارگاه پیش‌گیری از آزادی جنسی کودکان.
18. فرجاد، محمدحسین و رجبی، فاطمه (۱۳۹۱). رشد آموزشی پیش‌دبستانی. نشریه رشد آموزشی پیش‌دبستانی، ۱(۴).
19. فرمپنی‌فرهانی، محسن (۱۳۷۹). فرهنگ توصیفی علوم تربیتی. تهران: اسرار دانش.
20. قمری، محمد وفکور، احسان (۱۳۸۹). مقایسه شیوه مقابله با استرس و روان و رابطه بین متغیرها در بین دانش‌آموزان طلاق و غیرطلاق. نشریه علوم رفتاری، ۴(۴).
21. صیادی، ع (۱۳۸۱). بررسی اثرات متقابل کارایی خانواده در بروز مشکلات روانی نوجوانان دختر و پسر پایه سوم متوسطه شهر تهران. دانشگاه علامه طباطبائی.



22. ظهردین، ع و خدایی، فر، ف (۱۳۸۲). بررسی نیمرخ‌های شخصیتی مراجعین طلاق به دادگاه خانواده. نشریه فیض، شماره ۱، صص ۱-۷
23. قمری گیوی، حسین و خشنودنیای، بهنام (۱۳۹۵). مقایسه مهارت‌های اجتماعی، سلامت روانی و عملکرد تحصیلی در فرزندان با والدین مطلقه، متقاضی طلاق عادی. نشریه خانواده‌پژوهشی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، گاهنی، س.، حسین‌آبادی، م و سعادت‌جو، س.ع (۱۳۷۹). مقایسه اضطراب پرخاشگری در نوجوانان ۱۲-۱۹ سال خانواده‌های گسسته و پیوسته. نشریه دانشگاه علوم پزشکی بیرجند،
24. نعمت‌الهی، م و طهماسبی، س (۱۳۹۳). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های سازگاری به والدین بر کاهش مشکلات رفتاری کودکان. نشریه خانواده‌پژوهی.
25. ویژه اورزولا و همکاران (۱۳۸۷). بررسی مقایسه‌ای شیوع کودک‌آزادی در دانش‌آموزان متوسطه برحسب جنسی. نشریه خانواده‌پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۴.
26. یحیی‌زاده، حسین و حامد، محبوبه (۱۳۹۴). مسائل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه. نشریه مطالعات زن و خانواده، ۲(۳)، صص ۱۱۰.
27. یونسی، ف.، معین، ل و شمشیری‌نیا، ت (۱۳۷۹). مقایسه سلامت روان، عزت‌نفس و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختران مقطع راهنمایی خانواده‌های طلاق و عادی. نشریه زن و جامعه، شماره ۲، صص ۷۹-۹۶.

### منابع زبان اصلی:

29. Amato P.R.,B. (1991 a).parental Divorce and well\_ being: A Meta \_ analysis. *Journal of marriage and the family*,53 43\_58 .
30. Maundeni tapologo ( 2000) . The consequences of parental separation and .
31. -Divorce for the Economic, social and Emotional Circumstances of chil dren in Botswan" child hood 7,213\_223.
32. Amato, P. R ( 1994 ) . *Life - span adjustmen of children To their parents' divorce*.
33. Mazur, E, Wolchik, L,V, Sandler, T N , West S. G (1999) . *Cognitive Moderators of children's Adjustment to positive Ttlusions. Chilol Development* 70, 231\_245.
34. Ward, S.M. (2004).*aur children's social skills*. Eric Digest. ERIC Document Reproduction service, Retrieved http: www. Eric ed.gov/ ERICPortal/ record Detail? ac con= ED 411279.
35. Richardson, S.,& Mc Cabe, M.P (2001) . *Parental divorce during adolescence an & adjustment in early adulthood*. Adolescence, 36 467\_ 489.
36. Rotenberg, K.G., kim, L. S., & Herman\_ steahl , secondary appraisals in the negative emations and psychological maladjustments of children of divorce. *Journal of divorce and remarriage*, 29, 43\_ 65.
37. Pamela, A,k., & Gail G\_ S (1998) . Easing the pain of divorce, through children's literature. *Early childhood Education Journal* 26 (2) 89\_ 94.
38. Mazur, E., Wolchik, L.V., Sandler, i. N., & werst,S .G (1999) . *Cognitive Moderators of children's Adjustment to stressful divorce Events:Role of Negative Errors and positive i llusions child Development*, 70,231-245.
39. Frias , D ( 1992) . Children psychiatry. *Anuariode psychological*, 52 (1) 131.
40. Fagan, P (2000) . *The E ffece of Divorce American available at psychological bullerin American Academy of child and Adolescent psychiatry*, 95, 55\_ 65 .
41. Greshman f., & Elliott S (1999) . *The social skills rating system*. *Griclepinas M N: American Guidance services*.

42. Szapocznik, J., Hervis, O. E. & Schwartz, S (1003). Brief strategic family therapy far adolescent drug aduse NIH pubication NO .03\_4751 NIDA therapy manuals far Drug Addiction. Rockville, MD: National Institution on Drug Abuse.
43. Robbins, M.S. Bachrach, K. & Szapocznik, J (2002). Bridging the research\_practice gap in adolescent subsstance abuse treatment: the case of brief strategic family therapy *Journal of substame Abuse treatment* ,23, 123\_132.
44. Cowan, P.A. Cowan C.P., Schulz, S Heming G.P., & Ross D (1994) . Prebirth To preschool family factors in children's adaptation to kindergarten. Ten. *family Research cansortium*, 34,75\_114.

